

The Sensation and Perception in Psychology in Comparison to Viewpoints of Mulla Sadra: Nature, Processes and Extension

Rahim Narooei Nosrati*

Abstract

Introduction: We often articulate such sentences as, sky is blue, fire is very hot, ice is cold and so on. If someone asks how we really obtain these cognitive experiences as conscious matters, the answer appears to be simple even trivial. Because we see the sky, sense the temperature or the flame and ice, and taste the honey. In other words, such experiences obtained through senses. But the problem is not as simple as appears at first glance. That is, in fact, the problem popularized under the title of perception. Then the question is, How perception psychologically occurs for us as human beings? What is Islamic views referring to the phenomenon? Aiming to examine the subject, we studied “sensation and perception in psychology in comparison to viewpoints of Mulla Sadra: nature, processes and extension. To do so, at first, we have referred to recent psychological sources on sensation and perception as Goldstein E (2017), Kalat (2017) and Atkinson & Hilgard (2009) and gathered up the last psychological views about the subject matter. Then the main books of Mulla Sadra such as Asfar, Mafatiholghaib and Shavahedroboeia were searched and the author’s viewpoints on sensation and perception collected.

Method of Study: Content analysis is a research tool used to determine the presence of certain words, themes, or concepts within some given qualitative data (i.e. text). Using content analysis, researchers can quantify and analyze the presence, meanings and relationships of such certain words, themes, or concepts. Using content analytical method, the following conclusions obtained.

Findings: 1- Majority of psychologists believe that perception even its last steps, i.e. conscious cognitive experience is the same cerebral

*Associate Professor at “Psychology Department” in Educational and Research Institute of Imam Khomeini, Qom, Iran.

E-mail: rnarooei@yahoo.com

Received date: 2020.11.23

Accepted date: 2021.05.12

activities; 2- Perception occurs in seven steps ranging from facing an external stimulus to transformation of it into conscious experience, and finally doing appropriate behavior; 3- Perception is limited to sensory perception and there are no other types of perception for human beings; 4- In the contrast, according to Mulla Sadra, perception is restricted to the soul which is nonmaterial essence and physical stuffs including brain and its activities are not capable to produce conscious experience. Perception is creation of a mental form by the soul in accordance to the changes happened in the brain. The created form is the fact that perceived by soul, not a part of the body as brain; 5- Sensory perception takes place in five steps from facing external stimulus to creating a mental form by soul and its interpretation and analysis; 6- Perception in human beings is not limited to sensory ones, furthermore there are intuitive, narrative and rational perceptions. Not only is there rational perception, but also it is the basis for development of other types of perceptions.

Conclusion: Perception happens into two general stages: first is what occurs in the cerebral system as physical basis for the process, including entrance of light into the eyes, formation of reticular picture, electrochemical transformations and transmitting neural messages to the perception foci in the brain. According to psychologists in particular biopsychologists such as James Kalat and others, these processes equal the very perception and conscious experience. Based on Islamic sources especially viewpoints of Mulla Sadra, however, these are the only prerequisites for sensation and perception. Perception happens as second general stage, not in the brain but for another, fundamental component of the organism, which is nonmaterial, the soul. Soul is the essence which conceives the changes in its body and transforms them into a special state that we call it perception. In fact, it is a miraculous matter that we couldn't explore its mystery up to now.

Keywords: Sensation, Perception, the Nature of Perception, the Steps of Perception, Perception Scope, Mulla Sadra.



احساس و ادراک در روان‌شناسی و مقایسه آن با دیدگاه ملاصدرا: ماهیت، فرایند و گستره

رحیم نارویی نصرتی*

چکیده

هدف این پژوهش بررسی «احساس و ادراک در روان‌شناسی و مقایسه آن با دیدگاه ملاصدرا» است. بدین منظور ابتدا با مراجعه به منابع روان‌شناختی معتبر مانند آثار بروس گلدشتاین، جیمز کالات، اتکینسون و هیلگارد آخرین دیدگاه‌ها درباره احساس و ادراک استخراج گردید؛ سپس به کتاب‌های دست اول ملاصدرا نظیر اسفار، مفاتیح الغیب و شواهد الربوبیه به‌ویژه مباحث مربوط به قوای حسی و نحوه ادراک مراجعه گردید و دیدگاه ایشان در این زمینه گردآوری شد. یافته‌ها به روش توصیفی-تحلیلی با همدیگر مقایسه گردید و نتایج ذیل به دست آمد: ۱- از نگاه عمده روان‌شناسان، ماهیت احساس و ادراک امری مادی و از جنس مواد مغزی نخاعی و نهایتاً فعالیت آن است. ۲- ادراک طی هفت مرحله رخ می‌دهد که از مواجهه انسان با محرک بیرونی آغاز شده، به تجربه هشیار در ارتباط با محرک خارجی و اتخاذ رفتار مناسب در ارتباط با آن پایان می‌یابد. ۳- گستره ادراک به مدرکات حسی محدود می‌گردد و برای انسان ادراکی از سنخ دیگر رخ نمی‌دهد یا دست کم با تردید مواجه است. ۴- از نظر ملاصدرا احساس و ادراک صرفاً برای نفس اتفاق می‌افتد که جوهری مجرد است و امر ادراک‌شده یا صورت ذهنی امری مجرد و فعل و تولید نفس است که نفس آن را هماهنگ با تغییر بدنی می‌سازد. ۵- ادراک حسی طی پنج مرحله رخ می‌دهد که از مواجهه با شیء خارجی آغاز می‌شود و به ساخت صورت مجرد هماهنگ با آن توسط نفس و تفسیر و تحلیل آن خاتمه می‌یابد. ۶- ادراک در انسان به ادراک حسی محدود نیست و علاوه بر آن از ادراک شهودی، نقلی، وحیانی و عقلی نیز برخوردار است؛ بلکه ادراک‌های شهودی و عقلی پایه دیگر ادراکات حتی ادراک‌های حسی هستند. **واژگان کلیدی:** احساس، ادراک، ماهیت ادراک، مراحل ادراک، گستره ادراک.

۶۹
ذهن
احساس و ادراک در روان‌شناسی و مقایسه آن با دیدگاه ملاصدرا: ماهیت، فرایند و گستره

marooei@yahoo.com

*دانشیار گروه روان‌شناسی موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ع)

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۴

مقدمه

در گفتار روزمره خود معمولاً چنین گزاره‌هایی را بر زبان جاری می‌کنیم: آسمان آبی است، آتش داغ است، یخ سرد است، عسل شیرین است، سرکه بوی تندی دارد، دندانم درد می‌کند، جریان برق داخل سیم برق وجود دارد، خدا وجود دارد و غیر آن. هرچند این گزاره‌ها به ظاهر جملات پیش‌پا افتاده‌ای به نظر می‌رسند، به راستی ما چگونه به این تجربه‌های شناختی دست می‌یابیم که برای مثال آسمان آبی است؟ آن تجربه‌ای که از آن به آبی یاد می‌کنیم، چگونه برای ما حاصل می‌شود؟ چگونه پی می‌بریم که میزان داغی آتش از مقایسه آن با شیئی سرد مانند یخ حاصل می‌شود؟ چگونه به دست می‌آوریم که عسل شیرین است؟ منظور آن است که آن تجربه خاص چگونه برای ما حاصل می‌شود؟ شاید همین الان تصور کنید که اینها سؤال‌های ساده‌ای هستند و پاسخ آنها واضح است. زیرا ما رنگ آسمان را می‌بینیم، حرارت شعله و یخ را احساس می‌کنیم و شیرینی عسل را می‌چشیم. به عبارت دیگر همه اینها از طریق حواس حاصل می‌شوند (Coren & Ward, 1989, p.2).

واقعیت همین است که بیشتر این دریافت‌ها از پی ارتباط عضوهای حسی با محیط بیرونی حاصل می‌شوند؛ زیرا بدون حس بینایی، شنوایی، چشایی و بویایی ظاهراً مغز ما انسان‌ها که عهده‌دار تجربه‌های هشیار ماست، برای همیشه در زندان انفرادی جمجمه محبوس خواهد ماند. در این صورت شما در سکوت و تاریکی مطلق فرو خواهید رفت. همه چیز به خلأی فاقد مزه، رنگ و حس لمس تبدیل خواهد شد. به یک معنا بدون حواس برای شما جهانی وجود نخواهد داشت. فیلسوف *توماس هابز* (Thomas Hobbes) این حقیقت را در سال ۱۶۵۱ میلادی دریافت و نوشت: «هیچ ادراکی برای ذهن بشر وجود نخواهد داشت؛ در صورتی که در آغاز به وسیله اندام حسی به صورت کلی یا جزئی بارور نشده باشد». *پروتاگراس* (Protagoras) فیلسوف یونانی نیز حدود ۴۵۰ سال قبل از میلاد گویی بر همین باور بود که اظهار کرد: «آدمی چیزی بیش از مشتت از ادراکات حسی نیست» (Ibid, p.2). البته ما درباره این دیدگاه‌ها بر اساس

منابع اسلامی در ادامه با دقت بیشتری سخن خواهیم گفت. درباره همین ادراک‌های قانون‌مانند نیز سخن خواهیم گفت.

ملاصدرا نیز با ذکر جمله «من فقد حساً فقد علماً» بر اهمیت اندام‌های حسی و سلامت آنها صحه می‌گذارد که حواس راه رسیدن انسان به علم هستند و اگر کسی تلاش کند جلوی دریافت محرک‌های حسی را بگیرد، درواقع راه رسیدن به علم را بسته است. او می‌گوید: «برای اهل فهم روشن است که جلوگیری حواس و قوه‌های درک‌کننده از وظیفه‌ای که برای آن آفریده شده‌اند، راه علم را می‌بندد؛ زیرا علم انسان ابتدا از راه محسوسات و شباهت‌ها و تفاوت‌ها آنها حاصل می‌شود. تعاریف، حدود، ادله و براهین از محسوسات ناشی می‌شوند» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۹۳). علامه طباطبائی نیز در ذیل آیه «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارَى سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارَى سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّدْمِينَ» (مائده: ۳۱) می‌گوید: این آیه‌ای است که در نوع خود نظیری در قرآن ندارد. این آیه نحوه بهره‌مندشدن انسان از حس را بیان می‌کند و اینکه خواص اشیا از راه حس به دست می‌آیند و به دنبال آن انسان از طریق تفکر به غرض‌ها و آرمان‌های خود آن گونه که بررسی علمی اقتضا می‌کند دست می‌یابد؛ به طوری که همه علوم و معارف انسان به حس ختم می‌شود و این بر خلاف نظر کسانی است که علم انسان را یادآوری یا فطری می‌دانند» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۰۸).

با این همه درباره ماهیت، فرایند احساس و ادراک و اینکه چگونه فعل و انفعالات برقی-شیمیایی درون مغز به تجربه هشیار (ادراک) تبدیل می‌شوند، سؤال‌های اساسی و حل‌نشده‌ای وجود دارد که بررسی آن در چارچوب منابع اسلامی به‌خصوص با توجه به دیدگاه ملاصدرا به میزان زیادی می‌تواند علاوه بر پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها، به اسلامی‌سازی روان‌شناسی نیز کمک کند. بنابراین مقاله کنونی به دنبال بررسی این مسئله است که روان‌شناسان تا کنون چه دیدگاه‌هایی درباره ماهیت، فرایند و گستره ادراک داشته‌اند. آیا مدرکات انسان بعد از شروع فعالیت‌های شناختی به کمک محسوسات به

ادراک‌های حسی محدود می‌شوند یا اینکه انسان علاوه بر ادراک حسی ادراک‌های دیگری دارد که با سنخ ادراک‌های حسی متفاوت است؟ نظر اندیشمندان مسلمان به‌خصوص نظر ملاصدرا در این زمینه چیست؟

سؤال‌های پژوهش

- الف) ماهیت احساس و ادراک از نگاه روان‌شناسان چیست؟
- ب) احساس و ادراک از نگاه روان‌شناسان طی چه فرایندی رخ می‌دهد؟
- ج) احساس و ادراک از نگاه روان‌شناسان چه گستره‌ای دارد؟
- ج) ماهیت احساس و ادراک از نگاه اندیشمندان مسلمان به‌ویژه ملاصدرا چیست؟
- د) احساس و ادراک از نگاه اندیشمندان مسلمان به‌ویژه ملاصدرا طی چه فرایندی رخ می‌دهد؟
- ه) احساس و ادراک از نگاه اندیشمندان مسلمان به‌ویژه ملاصدرا چه گستره‌ای دارد؟

تعریف مفاهیم

احساس (Sensation): از نظر لغوی، احساس به معنای وضعیت روانی یا دریافت جسمانی است که از تحریک یک عضو حسی مانند حس سرما یا تغییر درون بدنی مانند حس درد حاصل می‌شود (House, 1999). احساس در اصطلاح عبارت از تجربه یا احساسی درونی است که بر اثر تحریک یکی از اندام‌های حسی به وجود می‌آید و یا عبارت از استعداد فرد برای تجربه به کمک اندام‌های حسی است (Colman, 2003, p.649). حواس دستگاه‌های ویژه درون ما را تشکیل می‌دهند. ما از این دستگاه‌ها اطلاعات درباره جهان پیرامون خود را به دست می‌آوریم. حواس مهم‌ترین ابزارهای مستقیمی را تشکیل می‌دهند که به واسطه آنها خصوصیت جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم، مشخص می‌نماییم. از پی حس دو امر احساس و ادراک رخ می‌دهد که از لحاظ زیستی و روان‌شناختی متمایزند؛ زیرا احساس‌ها از لحاظ روان‌شناختی عبارت از تجربه‌های خام بنیادینی هستند که با محرک‌ها ارتباط دارند؛

برای مثال حس بینایی ممکن است یک شیء بزرگ قرمز را ثبت کند که ما این تجربه را در قالب جمله، شیئی قرمز را می‌بینم، بیان می‌کنیم (Atkinson & Hilgard, 2009, p.110).

ادراک (Perception): ادراک عبارت است از تجربه‌ای حسی که با توجه به مرجع بیرونی خود که ممکن است یک شیء یا رویداد باشد، تفسیر می‌شود (Ibid, 153). به عبارت دیگر ادراک، فرایند یا نتیجه آگاه‌شدن از اشیا، روابط و رویدادها به وسیله حواس می‌باشد که فعالیت‌های بازشناسی (Recognizing)، دقت و تأمل (Observing) و تشخیص (Discriminating) را به همراه دارد. این فعالیت‌ها موجب می‌شوند موجود زنده بتواند محرک‌های دریافتی را به شکل دانش معنادار سازماندهی و تفسیر کند (VandenBos, 2002, p.423). چنان‌که بعد از آنکه شیئی قرمز ثبت شد، با یکپارچه‌سازی و تفسیر هدفمند این تجربه خام حسی حکم می‌کنیم آن شیء یک ماشین آتش‌نشانی است (Atkinson & Hilgard, 2009, p.110). از نگاه اندیشمندان مسلمان ادراک یا معرفت به یک معنا هستند. چنان‌که در تعریف ادراک حسی گفته‌اند ادراک حسی ادراک یا معرفتی است که از راه حواس ظاهری حاصل می‌شود. بر همین اساس برای معرفت منابع متعددی از جمله حس، عقل، شهود، نقل یا گواهی (Testimony)، بصیرت، وحی و الهام را برشمرده‌اند (حسین‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۲۶-۲۷).

الف) چیستی و فرایند احساس و ادراک در روان‌شناسی

احساس و ادراک ابعاد و تقسیمات زیادی دارد که گنجاندن آن در یک مقاله بسیار دشوار است (Nolen-Hoeksema & Others, 2009, p.153). به همین دلیل ما تنها از سه مسئله بنیادین در موضوع ادراک سخن خواهیم گفت. اولین مسئله چیستی و واقعیت ادراک است که به تبع آن از چیستی احساس نیز گفت‌وگو خواهیم کرد. دومین مسئله فرایند ادراک است که طی آن محرک حسی به تجربه هشیار تبدیل می‌شود و درنهایت از گستره ادراک بحث خواهیم کرد و این امر را توضیح می‌دهیم که آیا ما به عنوان افراد انسان از ادراک‌هایی از غیر منابع حسی نیز برخورداریم یا اینکه مدرکات ما

صرفاً به مدرکات حسی محدود می‌شوند. از آنجایی که چیستی و فرایند ادراک در روان‌شناسی به گونه‌ای در هم تنیده‌اند، این دو را ذیل یک عنوان ذکر کرده‌ایم؛ هرچند تلاش می‌کنیم این دو را تا جایی که ممکن است، تفکیک کنیم. آن گونه که در منابع روان‌شناختی آمده است، ادراک طی هفت مرحله رخ می‌دهد:

مرحله اول، وجود محرکی محیطی مانند یک درخت که در برابر مشاهده‌گر قرار گرفته است. این بدان معناست که اگر درخت در برابر ما نباشد، مرحله اول تحقق نیافته است. مرحله دوم، درخت محرکی خارج از ارگانیزم انسان است و خود آن وارد چشم انسان نمی‌شود، بلکه نور از یک منبع نور مانند خورشید به درخت می‌تابد و از درخت به چشم منعکس می‌شود. انعکاس نور از درخت یکی از اصول بنیادین ادراک را تشکیل می‌دهد که به آن اصل دگرگونی (Principle of Transformation) گفته می‌شود. این اصل بیان می‌کند که محرک‌ها و واکنش‌هایی که به واسطه محرک‌ها به وجود می‌آیند، در حد فاصل میان محرک محیطی و ادراک تبدیل می‌شوند یا تغییر می‌کنند (Goldstein, 2014, p.5).

وقتی نور منعکس شده به چشم می‌رسد، به وسیله دستگاه بینایی شامل قرنیه در جلوی چشم و عدسی‌ها که بلافاصله در پشت آن جای گرفته‌اند، تغییر می‌کند. در صورتی که این بخش‌های چشم به‌خوبی کار خود را انجام دهند، تصویری واضح از درخت روی گیرنده‌های شبکیه چشم ساخته می‌شود. تصویر شکل‌گرفته روی شبکیه بیان‌گر آن است که آنچه را فرد ادراک می‌کند، ناشی از ارتباط مستقیم با محرک خارجی نیست، بلکه ادراک بر اساس ارتباط ادراک‌کننده با نمودهای (Representations) محرک شکل می‌گیرد که بر گیرنده‌ها و فعالیت دستگاه عصبی فرد مبتنی‌اند (Ibid, p.6).

مرحله سوم: در این مرحله گیرنده‌های بینایی که تصویر درخت را به شکل نور دریافت می‌کنند، دو کار انجام می‌دهند: الف) انرژی محیطی را به انرژی برقی تبدیل می‌کنند. ب) بسته به اینکه چگونه به محرک‌ها واکنش نشان می‌دهند، نحوه ادراک را

شکل می‌دهند. فرایند تغییر انرژی نورانی به انرژی الکتریکی که توسط گیرنده‌های شبکه به انجام می‌رسد، تبدیل (Transduction) نامیده می‌شود. بدون چنین تغییری ادراک محقق نمی‌شود.

مرحله چهارم: وقتی «تبدیل» به وقوع پیوست، درخت به کمک سیگنال‌های برقی که در هزاران گیرنده بینایی وجود دارند، بازنمایی می‌شود. این پیام‌ها به شبکه‌ای گسترده و درهم‌تنیده از اعصاب وارد می‌شوند که ابتدا در شبکه، سپس پشت چشم و در نهایت در مغز وجود دارند. این شبکه پیچیده نورون‌ها دو کار انجام می‌دهند: الف) پیام‌های دریافتی از گیرنده‌ها را به کمک شبکه به مغز و سپس به درون مغز منتقل می‌کند. ب) این پیام‌های انتقال‌یافته را تغییر داده یا پردازش می‌کند. تغییرات پیامی که در حین انتقال از این شبکه پیچیده رخ می‌دهد، پردازش عصبی (Neural Processing) نامیده می‌شود. همین فرایند تبدیل که از پی انتقال به وجود می‌آید، نسبت به سایر حواس نیز به وجود می‌آید؛ برای مثال انرژی صوتی که همان تغییر میزان فشار در هواست، در داخل گوش به انرژی الکتریکی تبدیل می‌شود و ابتدا از طریق عصب شنوایی منتقل می‌گردد و سپس توسط مجموعه‌ای از ساختارها که در مسیر وجود دارند، به مغز منتقل می‌شوند (Ibid, p.7).

پیام‌های برقی مربوط به هر حس به ناحیه دریافت اولیه (Primary Receiving Area) ویژه خود در قشر مخ می‌رسند. قشر مخ لایه‌ای به ضخامت دو میلیمتر است که امکانات به‌وجودآوردن ادراکات و سایر کارکردها مانند زبان، حافظه و تفکر را در خود دارد. ناحیه دریافت مربوط به حس‌های پوستی مانند لمس، حرارت و درد در محلی از قطعه آهیانه‌ای (Parietal Lobe) واقع است. لوب پیشانی پیام‌های مربوط به همه حواس را دریافت می‌کند و نقش مهمی در ادراک‌هایی دارد که هماهنگ‌سازی اطلاعاتی را بر عهده دارند که از دو یا چند حس دریافت می‌شوند. البته دیگر ناحیه‌های مغز در کنار ناحیه‌های اولیه ادراکی در پردازش عصبی پیام‌های مربوط به هر حس شراکت دارند. این زنجیره تغییرات که میان گیرنده‌ها و مغز و سپس در درون خود مغز نمودار

می‌شود، به این معناست که الگوی پیام‌های برقی در مغز نسبت به پیام‌هایی که از گیرنده‌ها دریافت می‌شود، تفاوت دارد. به هر حال مهم آن است که هرچند پیام‌ها تغییر می‌کنند، پیوسته درخت را به نمایش می‌گذارند. در واقع این تغییرات که به همراه انتقال و پردازش پیام‌ها رخ می‌دهند، برای تحقق مرحله بعد یعنی واکنش‌های رفتاری (Behavioral Responses) فرایند ادراک بسیار مهم‌اند (Ibid, p.7).

مرحله پنجم تا هفتم: واکنش‌های رفتاری؛ مرحله واکنش‌های رفتاری بعد از انعکاس، متمرکزسازی، دگرگونی، تبدیل و پردازش طی سه مرحله رخ می‌دهند. مرحله پنجم تغییر چه بسا از اعجاب‌آورترین تغییراتی است که در فرایند ادراکی واقع می‌شود؛ زیرا تنها در این مرحله است که پیام‌های برقی مرحله چهارم به تجربه هشیار مبدل می‌شوند. در این مرحله است که فرد به وجود درخت پی می‌برد (مرحله پنجم) و آن را بازشناسی می‌کند (مرحله ششم) و واکنش رفتاری نهایی عملی است که فرد به انجام می‌رساند؛ مثل اینکه تصمیم می‌گیرد در هوای گرم تابستان به سمت درخت برود و در سایه آن دراز بکشد (Ibid, p.8).

ب) گستره ادراک در منابع روان‌شناختی

ادراک در روان‌شناسی، دامنه وسیعی از ادراک‌ها شامل دیداری، اندازه، عمق، حرکت، شنیداری، احساس دهلیزی (Vestibular Sense)، احساس پوستی، احساس درد، ادراک چشایی، بویایی، جابحایی حسی (Synesthesia) و احساس عمقی (Proprioception) را در بر می‌گیرد (May, 2007/ Kalat, 2017). روان‌شناسان در همه این موارد میان احساس و ادراک تمایز قایل می‌شوند. احساسات را عبارت از تجربه‌های ابتدایی می‌دانند که بر اثر تحریک حسی به وجود می‌آیند؛ مثل آنکه ترشی آبلیمو، بلندی صدای سوت یا فرورفتن سوزن در پای خود را می‌فهمیم. این احساس‌های اولیه با همدیگر ترکیب می‌شوند و ادراک‌های ما که بیانگر وجود اشیا و رویدادهای معنادار و سازمان‌یافته هستند، به وجود می‌آورند؛ برای مثال وقتی ما رویدادی ورزشی را در صفحه تلویزیون تماشا می‌کنیم، دستگاه بینایی تغییرات سریع

در رنگ و روشنایی را روی صفحه تلویزیون حس می‌کند و دستگاه شنوایی بالا و پایین شدن پیچیده صدا، بلندی و طنینی را که از بلندگو پخش می‌شود، حس می‌کند. همچنین ممکن است نسبت به میزان سبزی چمن‌های زمین ورزشی آگاهی پیدا کنید. از این مجموعه احساس، ادراک‌های ما نسبت به رویدادها، ورزشکاران و سایر فعالیت‌ها در میدان ورزشی حاصل می‌شوند (George, 2011, p.17).

بنابراین از لحاظ روان‌شناختی در هر ادراک سه مرحله اساسی رخ می‌دهد: الف) تحریک حسی و فعالیت‌های برقی-شیمیایی که از وجود محرک محیطی آغاز می‌شود، به صورت پیام برقی-شیمیایی به نقطه‌ای خاص از مغز می‌رسد؛ ب) تجربه خام و بنیادین اولیه که به صورت تجربه هشیار برای ارگانیزم حاصل می‌شود، مثل وقتی که فرد می‌گوید از راه دور سیاهی را می‌بینم یا صدایی را شنیدم یا سوزشی را در پای خود احساس کردم؛ ج) تجربه هشیار و بازشناسی شده به همراه اقدام مثل وقتی که فرد اظهار می‌کند سیاهی را که از دور می‌دیدم، اتوبوسی است که به طرف ما حرکت می‌کند، صدایی را که می‌شنیدم، صدای قطاری است که روی خط آهن در حرکت است و سوزش پایم به دلیل فرورفتن سوزنی در پایم به وجود آمده است. از این بیان، سؤال اول یعنی ماهیت احساس و ادراک از نگاه روان‌شناسان چیست، روشن می‌شود و به دست می‌آید که احساس و ادراک همان فرایند و عملیاتی شمرده می‌شود که در مغز رخ می‌دهند و ماهیت مادی داشته و داخل مغز رخ می‌دهد، هرچند گلدشتاین با تردید با این نحوه تفکر برخورد می‌کند و تصمیم‌گیری درباره آن را بر عهده فلاسفه می‌داند (Goldstein, 2017, pp.88-89).

سؤال دوم یعنی احساس و ادراک از نگاه روان‌شناسان طی چه فرایندی رخ می‌دهد، به دنبال آن است که کشف کند فعالیت برقی-شیمیایی که به دنبال تحریک محیطی ایجاد می‌شود، چگونه به تجربه هشیار تبدیل می‌شود که فرد اظهار می‌کند برای مثال «قطاری را روی خط آهن در حال حرکت می‌بینم». این سؤال و پاسخ به آن از پیچیده‌ترین مسائلی است که دیدگاه‌های متفاوت درباره آن وجود دارد. از آنجایی که

جریان غالب در روان‌شناسی در زمینه نحوه ارتباط روان و بدن یگانه‌گرایی مادی است، احساس و ادراک را محصول فرایندهای زیستی می‌دانند که در مغز رخ می‌دهد. به عبارت دیگر میان فرایند زیستی و تجربه هشیار احساس و ادراک رابطه این‌همانی را پذیرفته‌اند. این نگاه به‌خصوص بر روان‌شناسی زیستی (Biological Psychology) و روان‌شناسی تکاملی (Evolutionary Psychology) سایه افکنده است (Freberg, 2019, p.5)؛ چنان‌که جیمز کالات بر این مطلب تأکید می‌کند و می‌گوید: «ادراک در مغز رخ می‌دهد. وقتی چیزی با دست شما برخورد می‌کند، دست پیامی را به مغز می‌فرستد. شما این پیام را در مغز احساس می‌کنید نه اینکه آن را در دست احساس کنید. همچنین وقتی اشیا را می‌بینید که نور وارد چشمان شما می‌شود. تجربه دیدن داخل سرتان رخ می‌دهد نه اینکه در جهان خارج واقع شود. فعالیت روانی و برخی انواع فعالیت‌های مغزی طبق آنچه تا کنون می‌توانیم بگوییم، قابل انفکاک نیستند. این موضع‌گیری به نام یگانه‌گرایی مادی شناخته می‌شود. بر اساس این نوع یگانه‌گرایی، جهان هستی تنها از جوهر واحد تشکیل شده است و افکار و تجربه‌های شما بعینه همان فعالیت‌های درون مغز شما هستند. افراد گاهی سؤال می‌کنند آیا فعالیت‌های مغز افکار را پدید می‌آورند یا اینکه بر عکس افکار، مغز را به فعالیت وا می‌دارند. بر اساس رویکرد یگانه‌گرایی این سؤال مثل آن است که بپرسیم آیا حرارت موجب حرکت مولکول‌ها می‌شود یا اینکه حرکت مولکول‌ها حرارت را به وجود می‌آورد. واقعیت آن است که این دو صرفاً دو شیوه برای توصیف یک چیز هستند (Kalat, 2019, p.6).

سؤال سوم این بود که «احساس و ادراک از نگاه روان‌شناسان چه گستره‌ای دارد؟» به این معنا که آیا تجربه هشیار ادراک اختصاص به ادراک‌هایی دارد که از راه کانال‌های حسی برای افراد حاصل می‌شوند؟ به عبارت دیگر آیا تنها درون‌داد حسی خام است که به علم درباره ساختار جهان هستی تبدیل می‌شود یا اینکه ادراک از راه‌های دیگری نیز برای ما افراد انسان رخ می‌دهد؟

روان‌شناسان این موضوع را ذیل عنوان «پدیده‌های سای» (Psi Phenomena) یا

پدیده‌های فراروانی بررسی کرده‌اند. از دو مسئله به طور ویژه با همین عنوان سخن به میان می‌آید: (۱) آیا انسان می‌تواند اطلاعاتی را به کمک روش‌هایی غیر از تحریک اندام-های شناخته‌شده حسی به دست آورد؟ (۲) آیا می‌تواند صرفاً به کمک ابزارهای روانی بر رویدادهای فیزیکی اثر بگذارد؟ پدیده‌های فراروانی در حیطه شاخه فراروان‌شناسی جای می‌گیرند که عمدتاً به تبیین ادراک فراحسی (Extrasensory Perception)، دورآگاهی (Telepathy)، غیب‌بینی (Clairvoyance)، پیشگویی (Precognition) و روان‌جنبشی (Psychokinesis) می‌پردازد که هر یک از دورآگاهی، غیب‌بینی، پیشگویی و روان‌جنبشی مصداقی از ادراک فراحسی هستند (Nolen- Hoekdema & Others, 2009, p.226). سخن ما در اینجا به طور خاص ادراک فراحسی بلکه ادراک غیر حسی است. با اینکه بیشتر فراروان‌شناسان خود را کاملاً افراد علمی می‌دانند که قواعد علمی معمول را برای اثبات پدیده‌های غیر معمول به کار می‌گیرند، ادعاهای مربوط به فراروانی را اموری فوق‌عادی و هم‌تراز خرافه به حساب آورده‌اند؛ به گونه‌ای که برخی دانشمندان پدیده‌های فراروانی را غیرممکن دانسته و مشروعیت پژوهش‌های فراروان‌شناختی را زیر سؤال برده‌اند (Ibid). همین نتیجه از رویکرد روان‌شناسان عینی به‌ویژه روان‌شناسان زیستی به رفتار به دست می‌آید. گلدشتاین در مقدمه کتاب راهنمای احساس و ادراک بلک‌ول (Blackwell Handbook of Sensation and Perception) می‌گوید: این کتاب راهنما به بررسی حوزه ادراک می‌پردازد که شامل ادراک بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و پوستی می‌شود (Goldstein, 2005, p.vii). از این سخن نیز به دست می‌آید که روان‌شناسان عمدتاً ادراک را به ادراک حسی محدود کرده‌اند و غیر آن را توهم یا هم‌ردیف آن دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که «فراروان-شناسان هنوز با مخالفت‌های شدید از طرف همکاران دانشگاهی خود روبه‌رو هستند. موضع‌گیری‌های پژوهشی و آموزشی در این حوزه تا کنون به‌سختی حاصل شده است و در بهترین شرایط از پایداری لازم برخوردار نبوده است. تا کنون هیچ دانشگاهی گروه علمی فراروان‌شناسی تشکیل نداده است. مخالفت مستمر با یافته‌های فراروان‌شناختی و

همچنین پذیرش آن به عنوان شاخه رسمی تا کنون به بدتر شدن وضعیت انجامیده و تهدیدی برای این حوزه باقی مانده است. بیشترین مخالفت از ناحیه «کمیته تحقیق درباره ادعاهای فراهنجار» (Committee for the Investigation of the Claims of the Paranormal) که در سال ۱۹۷۶ پایه‌گذاری شد و مجله فصلی آن، پژوهشگر شکاک (Skeptical Inquirer) ابراز شده است» (Melton, 2001, V.2, p.1182). این همان مطلبی است که در مقدمه مقاله از زبان *توماس هابز* و *پروتوگراس* به آن اشاره شد.

ج) ماهیت ادراک از منظر اسلامی

با نگاه اسلامی به خصوص اندیشمند برجسته اسلامی *ملاصدرا* واقعیت ادراک و نحوه تبیین آن به اندیشه‌های پایه دانشمند درباره هستی، ماهیت انسان به‌ویژه سازمان شناختی او باز می‌گردد. روان‌شناسانی که ماهیت انسان را وجودی تک‌جوهری آن هم جوهر مادی صرف در نظر گرفته‌اند، ناگزیر واقعیت احساس و ادراک را همان گونه که ذکر شد، تبیین می‌کنند؛ لیکن بر اساس رویکرد دوگانه‌گرایی اسلامی که انسان را موجودی مرکب از دو جوهر یعنی نفس مجرد و بدن مادی می‌داند که ارتباطی ویژه با همدیگر دارند، ماهیت، فرایند و گستره ادراک به گونه‌ای دیگر تصویر می‌شوند. طبق این دیدگاه نفس و بدن از لحاظ ماهیت با هم متفاوت‌اند، هرچند نفس با بدن ارتباط تعلقی خاص دارد و به طور معمول کنش‌های خود را به کمک بدن از جمله اندام‌های حسی به انجام می‌رساند. نفس تمام حقیقت و بعد اصیل آدمی می‌باشد و احساس و ادراک به آن اختصاص دارد و بدن از جمله مغز صلاحیت چنین کنش‌هایی را ندارد. دوگانه‌گرایی و اصالت نفس از بسیاری آیات قرآن به‌خصوص آیه ۴۲ سوره زمر به دست می‌آید. در این آیه می‌خوانیم: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»: خداوند در وقت مرگ تمام جان‌ها (ارواح) را به صورت کامل دریافت می‌کند و کسانی را هم که نمرده‌اند در وقت خواب روحشان را قبض می‌کند. سپس

روح کسی را که زمان مرگش فرارسیده، نگه می‌دارد و روح فرد دیگر را که زمان مرگش فرا نرسیده، دوباره تا زمان خاصی به بدنش باز می‌گرداند. در این رویداد به وضوح نشانه‌های قدرت خداوند نمودار است».

علامه طباطبائی می‌گوید از این آیه دو مطلب به دست می‌آید: الف) نفس چیزی غیر بدن است، به طوری که از آن جدا می‌شود، استقلال می‌یابد و به حال خود باقی می‌ماند. ب) خوابیدن و مردن هر دو توفی و قبض روح هستند و تنها فرقی که در اولی روح دوباره بازگردانده می‌شود و در دومی دیگر روح ارسال نمی‌شود» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۶۹). بنابراین نفس ماهیت اصیل و برتر وجود انسان است که با بدن نیز ارتباطی ویژه دارد. ملاصدرا این مطلب را به صراحت ذکر می‌کند و در جلد هشت *اسفار* ذیل عنوان «فی بیان انّ النفس کل القوی» می‌گوید: «این مطلب به این معناست که ادراک‌کننده همه ادراکاتی که به قوه‌های انسان نسبت داده می‌شود، نفس ناطقه است» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۲۲۱)، نه خود قوه‌ها و ابزار و آلاتی که نفس از آنها در مسیر حصول ادراک استفاده می‌کند.

بنابراین ماهیت ادراک اعم از ادراک اولیه که در روان‌شناسی از آن به احساس تعبیر می‌شود و ادراک ثانویه و نهایی که با بازشناسی و فعالیت عملی همراه است، به این باز می‌گردد که «حقیقت یک چیز برای موجودی که در وجود خود مستقل است، حاصل شود. پس علم یا ادراک عبارت است از حاصل شدن خود ماهیت یک چیز یا صورت آن برای امر دیگری که در وجود خود مستقل است به نحو حقیقی یا حکمی. با این بیان علم سه قسم پیدا می‌کند که قسم سوم آن از نگاه ملاصدرا همان است که روان‌شناسان از آن با عنوان احساس و ادراک سخن گفته‌اند. قسم سوم آن است که یک چیز به کمک صورتش نه وجود عینی ویژه خود برای امر دارای وجود مستقل به صورت حقیقی حاصل می‌شود. این مانند علم پیدا کردن نفس انسان است به آنچه برای ذات آن یا ابزارهایش (ابزارهای حسی و قوا) حاصل می‌شود» (همو، ۱۳۶۳، ص ۱۰۸-۱۰۹).

بدین ترتیب احساس و ادراک نه در بدن رخ می‌دهد و نه عبارت از فرایندهای بدنی است. ماهیت احساس و ادراک علم است و علم برای عالم حاصل می‌شود که همان نفس است؛ زیرا چنان‌که در مباحث مربوط به عقل و معقول آمده است، ادراکات به طور مطلق به این صورت حاصل می‌شوند که واهب (خداوند از نظر ملاصدرا) صورتی نوری قابل ادراکی که بر اثر آن ادراک و شعور حاصل می‌شود، افاضه کند. این واقعیت هم حس‌کننده است و هم حس‌شونده؛ اما تصور اینکه صورتی در ماده هست، چنین چیزی نه حس‌کننده است و نه حس‌شونده بلکه تنها از علت‌های اعدادی و زمینه‌ساز است برای اینکه صورتی ادراکی با وجود شرایط تحقق یابد (همو، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۱۸۱).

پس طبق بیان ملاصدرا احساس و ادراک در بدن مثلاً جایی از مغز رخ نمی‌دهد، برای مغز نیز حاصل نمی‌شود، به وسیله مغز به معنای سببیت مغز برای ادراک نیز رخ نمی‌دهد بلکه ماده به هر گونه که تصویر شود، چون موجودی منقسم و پخش است این صلاحیت را ندارد که خودش برای خودش یا چیز دیگری برای آن معلوم باشد؛ این نفس است که به دنبال تغییراتی که در بدنش یعنی مغز آن واقع می‌شود، صورتی را می‌سازد که ماهیت آن همانند ماهیت نفس مجرد است و آن صورت است که ادراک می‌شود؛ یعنی برای نفس که موجودی مستقل است، حاصل می‌شود؛ لیکن روان‌شناسان تنها به فرایندهای بدنی که به ادراک منجر می‌شوند، پرداخته‌اند و مراحل دیگر ادراک را که مربوط به نفس است، ذکر نکرده‌اند (ر.ک: همان، ص ۲۲۶). این بدان جهت است که نوعاً وجود دیگری را در کنار بدن نپذیرفته‌اند.

فرایند ادراک حسی از منظر اسلامی

شاید احساس و ادراک یکی از شگفت‌ترین رویدادهایی باشد که برای موجود زنده به‌خصوص انسان رخ می‌دهد. از نگاه اسلامی این واقعیت طی پنج مرحله رخ می‌دهد: مرحله اول: تحریک عضو حسی توسط محرک برانگیزاننده آن عضو که ملاصدرا از آنها به آلات یا ابزارهای ادراک یاد می‌کند. بنابراین شرط لازم برای حاصل شدن ادراک حسی

این است که عضو حسی توسط محرک مناسب تحریک شود؛ مثلاً لازم است امواج هوا به پرده صماخ گوش برسد و کل گوش نیز از سلامت معمول برخوردار باشد (همان، ص ۱۷۸-۱۶۹).

مرحله دوم: رسیدن پیام حسی - که از عضو حسی وارد می‌شود - به قوه مربوط که در خود عضو حسی یا بخشی از مغز منتشر است و تغییری را در آن قوه به وجود می‌آورد که می‌تواند همان تغییری باشد که در مغز ما ایجاد می‌شود و با ایجاد تغییر در جسم لطیف که از نظر حکمای اسلامی واسطه میان نفس و بدن در نظر گرفته شده است، هماهنگ می‌باشد.

مرحله سوم: دریافت این تغییر توسط نفس به دلیل اینکه به بدن تعلق دارد و تغییر در متعلق خود را دریافت می‌کند. این بدان معناست که ممکن است تغییر در بدن حاصل شود؛ ولی مرحله سوم ادراک به دلیل وجود برخی موانع مثلاً تمرکز تمام‌عیار نفس بر چیزی دیگر، ادراک فعلی حاصل نشود. به عبارت دیگر نفس هر تغییری در یکی از اعضای حسی را دریافت نمی‌کند بلکه دریافتش شرایطی دارد.

مرحله چهارم: ساختن صورتی غیر مادی و هماهنگ با این تغییر توسط نفس که با علم به آن مساوق و همراه است. این تصویر ساخته شده و اولیه همان چیزی است که از آن به احساس یاد می‌شود.

مرحله پنجم: مقایسه این صورت با دیگر صورت‌ها اعم از قبلی و بعدی و صدور حکم و قضاوت نهایی که از آن به ادراک یاد می‌شود.

ملاصدرا این مراحل را با عبارت‌های مختلف در بخش‌های مختلف مربوط به ادراک از جمله ادراک بینایی ذکر کرده است. او در بحث مربوط به ادراک بینایی به اشراقیون از جمله شهاب‌الدین سهروردی نسبت می‌دهد که دیدن عبارت است از اینکه شیئی نورانی در مقابل چشم قرار گیرد که در آن مایع زلالی قرار دارد. در صورتی که این شرایط محقق شود و مانعی هم نباشد، برای نفس علمی اشراقی و حضوری نسبت به واقعیت مرئی تحقق می‌یابد و نفس به صورت روشن آن را درک می‌کند. ملاصدرا

با پذیرش فرایند اولیه می‌گوید: ابصار عبارت است از اینکه صورتی شبیه صورت جسمانی با قدرت خداوند از عالم ملکوت نفسانی به وجود می‌آید که از ماده خارجی مجرد است و نزد نفس ادراک‌کننده حاضر است. این صورت قائم به نفس است و از نوع قائم‌بودن فعل به فاعل خودش می‌باشد نه قیام پذیرفته‌شده برای پذیرنده (همان، ج ۹، ص ۱۷۹-۱۸۰). عبارت پایانی این گفتار به وضوح دلالت می‌کند که مقدمات مادی از ورود نور به چشم، واقع‌شدن تصویر روی شبکیه، تبدیل آن پیام‌های برقی شیمیایی و رسیدن آن به آخرین نقطه مغز، همه مقدمه برای احساس و ادراک هستند نه خود احساس و ادراک. احساس و ادراک امر دیگری است که با وجود این فرایندها و بعد از آنها رخ می‌دهد که از آن به مرحله سوم تا پنجم یاد کردیم. روشن است که به طور معمول هیچ یک از احساس و ادراک بدون طی این مراحل رخ نمی‌دهند.

د) گستره ادراک از منظر اسلامی

با نگاه اسلامی نفس بعد اصیل، ماندگار و مجرد (غیر مادی) انسان است. ادراک از توانمندی‌های ذاتی امر مجرد است نه واقعیت‌های مادی که ماهیتی پخش و منقسم دارند. به همین دلیل هیچ گاه نمی‌توان گفت دستگاه پیچیده‌ای مانند رایانه به وجود خود یا آنچه در درون آن است، علم دارد. با این توضیح و بیانی که درباره ماهیت علم و ادراک ذکر شد، ادراک این است که حقیقت یک چیز برای امر دیگری که وجود مستقل دارد، مانند نفس حاصل شود. اگر چنین چیزی رخ دهد، ادراک حاصل می‌شود. این امر چنان‌که از ملاصدرا نقل کردیم، به سه صورت رخ می‌دهد و منحصر به ادراک حسی نیست:

الف) حاصل‌شدن واقعیت عینی یک چیز برای یک امر مستقل دیگر مانند حصول معلول با واقعیت عینیش برای علتش. در این صورت علت به معلول خودش علم دارد و آن را ادراک می‌کند؛ مانند اینکه ما افعال همچون مانند خوردن، آشامیدن و راه رفتن را و... را ادراک می‌کنیم و حس در آن هیچ دخالتی ندارد. ما به دیدن خود وقتی که می‌بینیم، علم داریم؛ ولی این از طریق یکی از حواس رخ نمی‌دهد.

ب) حاصل‌شدن واقعیت عینی یک چیز برای یک امر مستقل نه به صورت واقعی بلکه به نحو حکمی که می‌گوییم این هم حکم آن را دارد؛ مانند علم‌داشتن موجود مجرد به وجود خود و اینکه نفس همواره برای خودش حاضر است و پیوسته خود را ادراک می‌کند. به همین دلیل وقتی رویدادها، حالت‌ها و افعال را به خود نسبت می‌دهیم، این در صورتی درست است که نسبت به خود که همان نفس است، ادراکی خاص داشته باشیم. این دو نوع از نوع ادراکی هستند که به آن علم حضوری گفته می‌شود و ملاصدرا از آنها به منزله قسم اول و دوم علم یاد می‌کند.

ج) حاصل‌شدن یک چیز برای امری مستقل نه با واقعیت عینی خود بلکه با حاصل‌شدن به کمک صورت یا تصویرش برای وجود مستقل که این قسم همه محسوسات را در بر می‌گیرد؛ چون در محسوسات برای مدرک همواره صورت یا تصویر مدرک حاصل می‌شود نه وجود مدرک با وجود عینی و خارجی‌اش. این همان مطلبی است که طبق نظر روان‌شناسان در مرحله دوم ادراک از آن سخن به میان آمد (همو، ۱۳۶۳، ص ۱۰۸-۱۰۹). هرچند این بیان به ذهن می‌آورد که ادراک حسی به معنای ادراک در قالب صورت‌های حسی تنها وقتی رخ می‌دهد که انسان به کمک ابزارهای حسی خود با محرک خاص آن حس در ارتباط باشد، ولی از منابع اسلامی به دست می‌آید که سنخ ادراک حسی ضرورتاً منوط به وجود محرک فیزیکی و مادی نیست. این گونه ادراک با اراده فاعل برتر به شکل الهام، القای صورت محسوس یا تمثیل نیز رخ می‌دهد؛ بنابراین دست کم سه قسم ادراک از قسم ادراک‌های حسی وجود دارد که محرک خارجی و فیزیکی به همراه آن نیست:

(۱) الهام یک امر به انسان در قالب جملات خبری، امری یا سؤالی که داری چارچوب و مفاهیم حسی‌اند، مانند اینکه فرزندت را به دریا بینداز (قصص: ۷)، ولی پای هیچ محرک حسی در میان نیست.

(۲) ایجاد اصل محرک حسی به صورت معجزه‌آسا مثلاً ایجاد امواج شنوایی از ناحیه درخت (قصص: ۳۰) و همچنین ایجاد حالت‌های روان‌شناختی که ممکن است به

همراه وقوع امور فیزیکی به وجود آید؛ مانند ایجاد آرامش برای کسی که دارای تشویش و اضطراب است (فتح: ۴).

۳) رؤیا که در آن افراد صورت‌های حسی را تجربه می‌کنند؛ ولی محرک فیزیکی وجود ندارد. این امر وقتی تعجب‌آمیزتر است که فرد در خواب چیزی را می‌بیند که بعینه رخ می‌دهد و از آن به رؤیای صادق تعبیر می‌شود.

بنابراین بر اساس منابع اسلامی سنخ ادراک حسی بر وجود محرک‌های جسمانی منحصر نیست و برای انسان ادراک فراحسی، غیب‌بینی، پیش‌گویی، دورآگاهی و روان‌جنبشی با وجود شرایط ممکن است. چنین ادراک‌هایی در زمره زندگی واقعی ما جای دارند و جزو توهمات طبقه‌بندی نمی‌شوند، هرچند گاهی توهمات نیز برای افراد انسان رخ می‌دهد که از نوع اصیل آن قابل تشخیص‌اند.

د) ادراک عقلی: این قسم ادراک آن است که نفس از مقایسه امور حسی نسبت به حال، آینده یا گذشته چیزی را ادراک می‌کند. از جمله این مدرکات اندیشه‌های مبنایی ادراک مانند اصل علیت، امتناع اجتماع نقیضین و اصل هوهویت است که بدون اذعان به آنها هیچ ادراک حتی احساسی سامان نمی‌یابد. این گونه ادراک‌ها ممکن است منشأ حسی داشته باشند، ولی خود ادراک‌ها حسی نیستند (همتی، ۱۳۶۲، ص ۲۹-۳۷).

نتیجه

احساس و ادراک از پدیده‌های پیچیده بلکه معجزه‌آسایی است که برای انسان رخ می‌دهد. روان‌شناسان این پدیده را بر اساس این مبنای انسان‌شناختی که انسان از ماهیت تک‌جوهری مادی برخوردار است، تبیین کرده‌اند و سه پرسش اساسی درباره ادراک را این گونه پاسخ داده‌اند. ماهیت احساس و ادراک را مساوی و مساوق با فعالیت‌های برقی شیمیایی مغز دانسته‌اند احساس و ادراک را به خود مغز نسبت داده‌اند و واقعیت آن را کاملاً مادی به حساب آورده‌اند. بر این مطلب *لانس ورکمن* (Lance Workman) و *ویل ریدر* (Will Reader) (۲۰۱۴م) تأکید می‌کنند و می‌گویند: «امروزه اغلب روان‌شناسان و فیلسوفان این نظریه را که دو جوهر اساساً متفاوت در

شناخت دخالت دارند را رد کرده‌اند و بر این باورند که ذهن و مغز اساساً یک چیز هستند. به عبارت دیگر ذهن همان چیزی است که مغز انجام می‌دهد» (همان، ص ۲۴۹). احساس و ادراک را شامل هفت مرحله می‌دانند که از محرک محیطی آغاز می‌شود و تا تجربه هشیار در مرحله چهارم و واکنش رفتاری در مرحله هفتم ادامه می‌یابد. گستره ادراک را نیز بر ادراک‌های حسی محدود کرده‌اند و از برخی ادراک‌های انسان مانند آنچه در منابع اسلامی از آن به ادراک شهودی یاد شده است و به علم حضوری تعبیر می‌شود، چندان سخن نگفته‌اند. این اندیشمندان از ادراک عقلی به عنوان ادراک مستقل سخن نگفته‌اند و بیشتر آن را به ادراک حسی محلق کرده‌اند.

از نگاه اندیشمندان مسلمان در زمینه احساس و ادراک پنج واقعیت اساسی وجود دارد: ۱) احساس و ادراک که همان علم‌یابی یا عالم‌شدن به چیزی است، از ویژگی‌های اختصاصی امر مجرد یعنی غیر مادی است که تراز وجودی برتری نسبت به ماده دارد. بنابراین هیچ امر مادی حتی پیچیده‌ترین آن مثلاً برترین رایانه نمی‌تواند به خودآگاهی و دیگرآگاهی دست یابد. گلدشتاین (Goldstein, 2017, p.96) ضمن اذعان به این واقعیت، دلایل عدم امکان آن را ذکر می‌کند؛ بنابراین این ادعا که مغز ادراک می‌کند، از باب خطا در اسناد و یکسان‌پنداری واقعیت ادراک با بخشی از فرایند ادراک ناشی شده است که در مغز رخ می‌دهد.

۲) سازمان شناختی و ادراکی انسان با پا گذاشتن به این جهان و ورود محرک‌های حسی به آن فعالیت شناختی از نوع شناخت حصولی خود را آغاز می‌کند. چه بسا آیه ۷۸ سوره نحل نیز به همین واقعیت انسانی دلالت می‌کند. در این آیه می‌خوانیم: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود، در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد تا شکر نعمت او را به جا آورید». لیکن از نگاه اندیشمندان مسلمان درست است که سازمان شناختی انسان با محرک‌های حسی فعالیت خود را آغاز می‌کند، هرگز احساس و ادراک برای شیء مادی

چنان‌که ذکر کردیم، رخ نمی‌دهد، بلکه ارگانیزم انسان موجودی دوجوهری است و ادراک از اختصاص‌های جوهر مجرد است و فرایندهای بدنی صرفاً مقدمه و علت اعدادی برای ادراک هستند. به همین دلیل نیز برخی اوقات محرک حسی وجود دارد، ولی ادراک رخ نمی‌دهد. برخی اوقات نیز با اینکه محرک حسی وجود ندارد، ادراک حاصل می‌شود، مانند غیب‌بینی و غیب‌گویی که دست کم نسبت به پیامبران و اولیای خدا از نگاه اسلامی در آن تردیدی وجود ندارد.

۳) ادراک از منظر اسلامی به‌ویژه نظر صدرالمآلهین پنج مرحله دارد که مرحله اول و دوم آن مربوط به شیء محسوس و فرایند بدنی یعنی فعالیت مغزی است و مرحله سوم، چهارم و پنجم آن به جوهر مجرد و بعد اصیل انسان مرتبط است که طی این مراحل ادراک که همان تجربه هشیار است، رخ می‌دهد. لازم است یادآوری گردد که مرحله پنجم که همان مرحله بازشناسی و قضاوت نهایی درباره مدرک است و از آن به ادراک ثانویه یاد می‌شود، صرفاً اثر محرک بیرونی نیست، بلکه با دیگر اطلاعات زمینه و دانش پیشین ادراک‌کننده آمیخته است که بیانگر آمیخته‌شدن ادراک حسی با برخی ادراک‌های عقلی می‌باشد. البته روان‌شناسان نیز بر این امر در فرایند ادراک اذعان کرده‌اند.

۴) انسان علاوه بر ادراک حسی سه منبع ادراکی دیگر نیز دارد:

الف) دریافت شهودی یا ادراک مستقیم نسبت به چیزی که برای نفس حاصل است که عین آگاهی و شناخت است. این امر نظیر آگاهی ما به خود، حالت‌ها و افعال خودمان است که به گونه‌ای همیشه به آن آگاهی داریم. این نحوه ادراک را ما در قالب گزاره‌هایی نظیر «من هستم، من بودم، من خواهم رفت، حالم خوب است، حالم بد است، خوشحالم، کسلم، آب خوردم و امتحان دادم» بیان می‌کنیم. این نحوه ادراک که خودآگاهی انسان به وجود خود و حالت‌ها و افعال خود است، اگر نباشد هیچ نحوه ادراکی برای انسان حتی ادراک حسی که مبتنی بر مفاهیم انتزاع‌شده از محسوسات است، حاصل نمی‌شود. فرض کنید آزمون افسردگی را به کسی می‌دهیم. او توان ادراک

درون‌نگرانه هیچ حالتی از حالت‌های خود را نداشته باشد. در این صورت رابطه انسانی مختل می‌شود و فرایند انتقال از بین می‌رود. روش درون‌نگری هم که وونت بر آن اصرار می‌ورزید، نوعی دریافت شهودی به حساب می‌آید. حالت‌های شهودی به صورت‌های زیاد از جمله مرتبط‌شدن نفس انسان با سطح هستی برتر رخ می‌دهد که فراتر از کانال‌های حسی است.

ب) ادراک (شناخت) مبتنی بر نقل که بر اثر اعتماد به گفتار یک فرد یا گروهی طی فرایندی خاص ایجاد می‌شود و فرد محتوای پیام فرد یا گروه را تصدیق می‌کند. در این صورت برای خود فرد مواجهه حسی رخ نداده است یا حتی خود ناقل نیز مواجهه حسی نداشته، بلکه شناخت و ادراک از راه غیر حس حاصل می‌شود. انسان‌ها در زندگی عرفی خود روزانه ده‌ها خبر را از یکدیگر می‌شوند و برای هم نقل می‌کنند. حجم گسترده‌ای از شناخت علوم و نظریات دانشمندان پیشین از طریق دلیل نقلی حاصل می‌شود. دانشجویان رشته‌های مختلف از راه نقل استادان خود با نظریات، نوآوری‌ها و انتقادهای دانشمندان پیشین آشنا می‌شوند. همه آنچه درباره تاریخ ملل و حکومت‌ها در اختیار نسل فعلی و نسل‌های بعدی قرار گرفته، نتیجه اخبار و نقل‌های پیشینان است (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۹). این دسته ادراک‌ها نه از سر تعبد بلکه از این جهت که نقل خود یکی از منابع آگاهی هشیارانه است، حاصل می‌شوند (ر.ک: همان).

ج) ادراک عقلانی که به آن اشاره کردیم و عبارت از آن است انسان از سایر منابع ادراک نظیر ادراک‌های حسی، شهودی و وحیانی استفاده می‌کند و ادراک‌های نویی برایش حاصل می‌شود؛ مثلاً با بررسی چند رفتاری که از دشمن سر می‌زند، به این ادراک می‌رسد که دشمن می‌خواهد به ما حمله کند یا عقب‌نشینی کند. از فریندهای حسی یا درونی رابطه علیت را درک می‌کند و....

۵) بنابراین اولاً تبیین ماهیت صورت ادراکی به صورت مادی و منحصرسازی آن در فرایندهای مادی با رویکرد اسلامی به‌خصوص نظر ملاصدرا نگاهی ناقص و نادرست است و از کاهش‌گرایی و خطای در اسناد ناشی شده است.

ثانیاً شاید فعالیت عقلانی و استدلال چندان در فرایند احساس آشکار نباشد؛ ولی وقتی در این فرایند به مرحله بازشناسی و رفتار عملی می‌رسیم، دیگر این نیست که صرفاً تصویر شبکه‌ای اثر داشته باشد، بلکه این امر «به طور کلی هر کانال حسی» با سازوکاری عقلانی آمیخته است که نمایان‌گر تأثیرگذاری ادراک عقلی حتی بر چیزهایی است که به ظاهر آنها را ادراک حسی می‌نامیم.

ثالثاً چنین دریافت‌هایی حتی در مورد ادراک‌های حسی نشان می‌دهد که چنین نیست که انسان به صورت خودکار و مکانیکی برای هر امری که قابلیت حس شدن را دارد، مهر تأیید نهایی به عنوان ادراک شده نهایی بزند، بلکه عقل آدمی که قوه سنجش یافته‌ها با واقعیت است، همواره یافته‌های انسان را زیر و رو می‌کند و واقعیت‌های عرصه‌های تجربی، عقلانی، شهودی و وحیانی را می‌سنجد و پیوسته آنها را غربال می‌کند تا به واقعیت نهایی که علم یقینی است، دست یابد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۸). به کمک همین قوه است که ما توهماتمانند چوب شکسته در آب، بزرگی ماه در افق نسبت زمانی که بر خط‌الرأس قرار گرفته، سکون کره زمین و... را ادراک می‌کنیم. همین قوه به گونه‌ای در برخی افراد مانند اسکیزوفرن‌ها دچار اختلال شده که فرق میان واقعیت با توهم را ادراک نمی‌کنند.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم.

۱. حسین زاده، محمد؛ منابع معرفت؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴.
۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ الحکمة المتعالیة؛ ج ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۳. —؛ شرح اصول الکافی؛ تصحیح محمد خواجهی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۴. —؛ مفاتیح الغیب؛ تصحیح محمد خواجهی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۵. —؛ الشواهد الربوبیه؛ تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی؛ مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶- تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۶. طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
۷. —؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۸. علی پور، مهدی و سیدحمیدرضا حسنی؛ پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۹. محمدی، عبدالله؛ ارزش معرفت شناختی دلیل نقلی؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۵.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش عقاید؛ ج ۱-۳، قم: مؤسسه انتشارات دار الثقلین، ۱۳۷۸.
۱۱. همتی، همایون؛ علم و ادراک یا تئوری شناخت در فلسفه اسلامی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.

12. Atkinson & Hilgard's; **Introdictin To Psychology**; 15th Edition, Wadsworth, Cengage Learnig: Australia and United States, 2009.
13. Atkinson & Hilgard; **Introdictin To Psychology**; 15th Edition, p.110.
14. Colman Andrew M.; **Dictionary Of Psychology**; Oxford University Press, 2003.
15. Colman Andrew M.; **Oxford Dictionary of Psychology**; Oxford University Press, 2003.
16. Coren Stanley & Lawrence M. Ward; **Sensation and Perception**; Third Edition, Harcourt Brace Jovanovich (HBJ), San Diego and New York, 1969.
17. Freberg Laura A.; **Discovering Behavioral Neuroscience: An Introduction to Biological Psychology**; 4th edition, Cengage: United States, 2019.
18. Goldstein E. Bruce; **Blackwell Handbook of Sensation and Perception**; Blackwell Publishing: United States, 2005.
19. Goldstein E. Bruce; **Sensation and Perception**; tenth Edition, Cengage Learning: United States, 2017.
20. House, Random; **Random House Webster's Dictionary**; Inc. : US. 1999.
21. Kalat James W.; **Introduction to Psychology**; 11th edition, Cengage Learning: United States, 2017.
22. Kalat James W.; **Introduction to Psychology**; 11th edition, Cengage Learning: United States, 2017.
23. Mather George; **Essentials of Sensation and Perception**; Tylor & Francis Group, London and New York: Routledge, 2011.
24. May Mike; **Sensation and Perception**: Series Editor; New York: Eric H. Chudler, Chelsea House Publisher, 2007.
25. May Mike; **Sensation and Perception**: Series Editor; New York: Eric H. Chudler, Chelsea House Publisher, 2007.
26. Melton J. Gordon; **Encyclopedia of Occultism &**

- Parapsycholog**; 5th Edition, V.2, United States of America: Gale Group Staff, 2001.
27. Nolen- Hoekdema Susan, Barbara L. Fredickson, Geoff R. Loftus and Willem A. Wagenaar, **Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology**; 15th edition, HE Publisher, Wadsworth: United States: Cengage Learning, 2009.
28. VandenBos. Gary R.; APA Dictionary of Clinical Pshchology; APA: Washington. 2002.